

اصطلاح «رافضه» در کاربرد شیعه امامیه: ترجمه و نقد دو مقاله از اتان کلبرگ^۱

ترجمه و نقد: حیدر دباغی*

محمد حسن محمدی مظفر**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۸]

چکیده

اتان کلبرگ، خاورشناس معاصر، شیعه‌پژوه و نویسنده بنام اسرائیلی است. وی مقاله‌ای درباره کاربرد اصطلاح «رافضه» در میان شیعیان امامیه دارد که در سال ۱۹۷۹ منتشر شد. همچنین، مدخل «رافضه» در *دائرةالمعارف اسلام* را نیز نگاشته است. در مقاله نخست، وی عنوان «رافضه» را می‌کاود و با رویکردی تاریخی‌روایی سیر تطور معنایی و تاریخی این اصطلاح را در روایات شیعی بررسی می‌کند و تحلیلی از این مفهوم به دست می‌دهد. وی با جست‌وجوی رد پای واژه «رافضه» در قرآن کریم و نیز کتاب‌های تورات و انجیل می‌کوشد نحوه به‌کارگیری کتاب‌های اسرائیلی در روایات شیعی را بکاود. البته در پژوهش نخست وی، کم و کاستی‌هایی دیده می‌شود که برخی را در مقاله دوم مرتفع می‌کند. مقاله دوم، از لحاظ شیوه و روش پژوهش مشابه مقاله نخست است اما مطالب پیشین را بسط می‌دهد و دیگر احتمالات پیدایش عنوان «رافضه» را در کنار قیام زید می‌کاود. همچنین، چند روایت از اهل سنت و زیدیه در به‌کارگیری این عنوان می‌افزاید. مصادیق رافضه، فرقه‌های گوناگون آن، جغرافیای رافضه، حضور روافض در شهرهای مختلف اسلامی، بزرگان رافضه و اعتقادات آنها از دیگر مباحث مطرح‌شده در این مقاله است که از خلال آنها سیر به‌کارگیری این اصطلاح را تا عصر حاضر پی می‌جوید. البته وی دیدگاه‌های ناصوبی راجع به شیعه امامیه مطرح می‌کند که توضیحات لازم در خصوص آنها و نقد برخی، در پاورقی ذکر شده است. در پایان نیز، هر دو مقاله کلبرگ از لحاظ روشی نقد شده است.

کلیدواژه‌ها: رافضه، شیعه، امامیه، اثناعشریه، کلبرگ.

۱. مشخصات کتاب‌شناختی دو مقاله ترجمه‌شده، به ترتیب، چنین است:

E. Kohlberg (1979). "The Term "Rāfiḍa" in Imāmī Shī'ā Usage", in: *Journal of the American Oriental Society*, 99 (4): 677-679.

E. Kohlberg (1998). "Al-Rāfiḍa", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. VIII, pp. 386-389, Leiden: Brill.

* دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب قم h.dabbaghy@gmail.com

** استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم mhmozaffar@gmail.com

اصطلاح «رافضه» در کاربرد شیعه امامیه

اصطلاح «رافضه» که در اصل به عنوان لقبی منفی به کار می‌رفته در کهن‌ترین کاربردش نزد امامیان (که نخستین بار خطاب به آنان به کار برده شد) به معنای افتخارآمیز «کسانی که شرراً را طرد کردند»^۱ تفسیر می‌شد. این تفسیر عمدتاً بر مقایسه‌ای مبتنی است که میان شیعه و «رافضه نخستین» انجام می‌شود، که شرراً را در قالب فرعون رد کردند و به جای آن به موسی پیوستند.^۲ اصطلاح «رافضه» از همان دوره اولیه با تاریخ تشیع همراه بوده است. ظاهراً ریشه‌هایش به قیام شکست‌خورده زید بن علی ضد امویان باز می‌گردد. این قیام که در سال ۱۲۲ ه.ق. / ۷۴۰ م. رخ داد،^۳ سرنگونی نهایی سلسله امویان را یک دهه بعد رقم زد.^۴ همچنین، این قیام باعث جدایی جدی در صفوف شیعه شد؛ جدایی میان کسانی که دعوت زید را اجابت کردند (زیدیه نخستین)، و کسانی که کارایی قیام مسلحانه را باور نداشتند (امامیه نخستین). گروه دوم را دشمنان‌شان متهم به ترک و رد زید کردند. گفته شده آنها قبل از ترک (رفض) با ناکامی از زید تقاضا کردند آشکارا خودش را از ابوبکر و عمر جدا کند و اعلام کند که آن دو غاصبان مجرم‌اند.^۵ در نسل‌های بعد، پس از سیر تحولات معنایی متعدد،^۶ اصطلاح «رافضه» به لقب منفی همه امامیه بدل شد، که کاربرد آن برای یادآوری دو گناه مهم بوده است: از نظر زیدیه گناه ترک زید،^۷ و از نظر اهل سنت گناه ترک دو خلیفه نخست.^۸ آی. فردلندر (Israel Friedlaender) حدود هفتاد سال پیش به شکل جامع معانی مختلف اصطلاح «رافضه» را بررسی کرده است (Friedlaender, 1908: 137-159). فردلندر اشاره می‌کند که «رافضه» صریحاً به معنای نام مستعار است، و دقیق‌تر، نام مستعاری منفی است (Ibid.: 137). در اینجا سخنش صحیح است. ولی آنجایی که اضافه می‌کند شیعه «هرگز خودشان را روافض نمی‌نامیدند» (Ibid.: 138, n. 1) دلیل قاطعی ندارد. اگرچه اغلب به نظر می‌رسد با این اظهار نظر مخالفی نشده،^۹ ولی با بررسی برخی از منابع شیعه امامی آشکار می‌شود که این گفته درست نیست. از جمله این منابع، کهن‌ترین منبع در دست احتمالاً کتاب محاسن ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی (متوفای ۲۷۴ ه.ق. / ۸۸۷ م. یا ۲۸۰ ه.ق. / ۸۹۳ م.) است (برقی، ۱۹۶۴). بخش چهارم این کتاب، که تحت عنوان «الصفوة والرحمة» است، برخی اظهارات صریح درباره رافضه را در بر دارد. این سخنان

اصطلاح «رافضه» در کاربرد شیعه امامیه: ترجمه و نقد دو مقاله از اتان کلبرگ / ۱۹

منسوب به محمد باقر (متوفای ۱۱۴ ه.ق./۷۳۲ م. یا ۱۱۷ ه.ق./۷۳۵ م.) و جعفر صادق (متوفای ۱۴۸ ه.ق./۷۶۵ م.)، امام پنجم و ششم، است. در نقلی عینه یا عتیبه، فروشنده نیشکر،^{۱۱} شکایت به جعفر صادق برده که کسی به او هشدار داده که مبادا رافضی شود؛ جعفر در پاسخ می‌گوید: «به خدا، این نام بهترین نامی است که خداوند به شما داده تا زمانی که به آموزه‌های ما عمل کنید و بر ما دروغ نبندید»^{۱۱} (برقی، ۱۹۶۴: ۱۱۹؛ مجلسی، ۱۳۰۵-۱۳۱۵: ج ۱۵، باب اول، ص ۱۲۷). در موقعیت مشابهی گفته شده که محمد باقر به خودش اشاره کرده و گفته: «من از روافضم»^{۱۲} (همان).^{۱۳} افزون بر آن اظهارات کلی، که هدفشان اعطای آبرومندی به «رافضه» است، تلاش‌هایی نیز برای بازگرداندن آن به زمینه تاریخی متفاوتی صورت گرفته است. محدث شیعی متقدم، سلیمان بن مهران اعمش (متوفای ۱۴۸ ه.ق./۷۶۵ م.) (نک: طوسی، ۱۹۶۳: ۲۰۶؛ ذهبی، ۱۹۵۶: ۱۵۴/۱؛ موسوی، ۱۹۶۳: ۹۹-۱۰۱؛ Brockelmann & Pellat, "al-Amash") از جعفر صادق نقل کرده که «رافضه» لقب منفی بوده و مخالفان شیعه این لقب را به آنها داده‌اند. اما در واقع لقب افتخارآمیزی است که خداوند در عهد عتیق و عهد جدید به شیعه داده است. بنا بر گفته جعفر صادق، در میان قوم فرعون هفتاد نفر بودند که رئیس خود (فرعون) را ترک کردند و به جای آن به موسی گرویدند. بنابراین، خدا آنها را «رافضه» خواند، آنانی که شر را ترک کردند. و به موسی دستور داد که این کلمه را در تورات به عربی اصیل بنویسد. پس از مرگ محمد، زمانی که بیشتر مسلمانان نخستین دچار انحراف جدی از مسیر حق شدند، فقط شیعیان شر را رد کردند و بدین ترتیب به پیروان رافضه نخستین تبدیل شدند (کوفی، ۱۳۵۴: ۱۳۹؛ مجلسی، ۱۳۰۵-۱۳۱۵: ج ۱۵، باب اول، ص ۱۲۷). ظاهراً این حدیث بر آیات قرآنی (اعراف: ۱۲۰-۱۲۶؛ طه: ۷۰-۷۵) مبتنی است، که گروهی از جادوگران فرعون را توصیف می‌کند که آن قدر تحت تأثیر معجزات موسی قرار گرفته بودند که ایمان خودشان را به خدا اظهار کردند و به تهدیدهای مجازات فرعون توجهی نکردند. بنا به نقل برخی از مفسران، تعداد آنها ۷۲ نفر بوده است^{۱۴} (ثعلبی، بی تا: ۱۶۵).^{۱۵} خود اصطلاح «رافضه» در نقل قرآنی این داستان نیامده است (در واقع در هیچ کجای قرآن نیامده). بنابراین، امامان شیعی نمی‌توانستند به قرآن ارجاع دهند. بدین سان به کتاب مقدس به عنوان منبع این واژه ارجاع داده‌اند. لیکن داستان جادوگرانی که فرعون را رد کردند، نه در عهد قدیم و

نه در عهد جدید موجود نیست؛^{۱۶} این غیرعادی نیست، زیرا رسم نقل آیات واقعی یا جعلی، مثل این نمونه، برای اثبات اعتبار آموزه‌ای خاص در میان سنی‌ها و شیعیان به یکسان تثبیت شده است (نک: Rosenthal, 1962: 35-45; Kister, 1972: 215-239).^{۱۷} افزون بر آن، می‌توان به خوبی استدلال کرد که تعبیر «رافضه» در متن اصلی کتاب مقدس وجود داشته ولی بعدها دشمنان تشیع یا اسلام آن را حذف کرده‌اند.^{۱۸} تشابه میان شیعیان امامی و کسانی که فرعون را رد کردند به جزئیات جالبی بسط پیدا می‌کند. مثلاً در یکی از نقل‌های شیعی ذکر شده، محمد باقر گفته است: «هفتاد نفر از قوم فرعون، فرعون را رد کردند (رفضوا) و به موسی روی آوردند؛ و هیچ کس در میان قوم موسی نبود که وفاداری‌اش و عشقش به هارون فراتر از آنها باشد»^{۱۹} (برقی، ۱۹۶۴: ۱۱۹؛ مجلسی، ۱۳۰۵-۱۳۱۵: ج ۱۵، باب اول، ص ۱۲۷). به نظر می‌رسد تأکید بر هارون به جای موسی آگاهانه بوده است؛ زیرا بنا بر یکی از معروف‌ترین احادیث امامی، علی نسبت به محمد همان جایگاه هارون نسبت به موسی را داشته (جز آنکه علی پیامبر نیست)؛^{۲۰} و هر دو، هارون و علی، وصی و جانشین بودند.^{۲۱} با تأکید بر وفاداری هارون آنانی که می‌توان «رافضه نخستین» نامیدشان، به موازات محمد و علی فوراً آشکار می‌شوند. در نقل‌هایی که در اینجا گفته شد، رافضه نخستین از مصری‌هایی بودند که وقتی حقیقت را یافتند، با شجاعت کافی برای رد کردن فرعون ترغیب شدند. اما با توجه به نقل دیگر، این افراد مصری نبودند بلکه از بنی اسرائیل بودند که به دین فرعون گرویده بودند (یا شاید بر آن دین به دنیا آمده بودند). و اینها بعداً از خطایشان آگاه شدند، و دوباره به هم‌کیشان پیشین خود پیوستند و به عنوان مؤمن‌ترین بندگان خداوند درآمدند^{۲۲} (کلینی، ۱۳۷۵-۱۳۷۷: ۳۴/۸؛ مجلسی، ۱۳۰۵-۱۳۱۵: ج ۱۵، بخش اول، ص ۱۱۵؛ مفید، ۱۹۷۱: ۱۰۱؛ مجلسی، ۱۳۰۵-۱۳۱۵: ۲۲۳/۱۱).^{۲۳} بنابراین، قوم فرعون، چه در گذشته و چه حال دشمن همه رافضی‌ها هستند. همان‌گونه که موسی و هارون در قرآن پیش‌نمون‌های محمد و علی هستند، فرعون و هامان در قرآن نمایندگان بدترین دشمنان شیعه‌اند. این تصویر به وضوح در اثری ناشناس^{۲۴} از مفضل بن عمر جعفی (متوفای پس از ۱۸۰ ق/۷۹۶ م) نقل شده است (نک: GAS, I, p. 534). در آن اثر تبیین شده که مفضل از جعفر صادق پرسش‌های گوناگونی درباره رجعت امام مهدی پرسیده است. و در پاسخ به پرسشی، جعفر

می‌گوید زمانی که مهدی ظهور کند وعده آیه ذیل محقق می‌گردد: «ما قصد داریم به کسانی که در زمین ستم دیده‌اند لطف کنیم و آنها را به رهبران و وارثان تبدیل کنیم (و به آنها قدرت در زمین دهیم، و اجازه دهیم فرعون، هامان، و لشکر آنها از میان چیزی که از آن می‌ترسیدند، آن را ببینند»^{۲۵} (قصص: ۵-۶). عبارت «کسانی که ستم دیده‌اند» اشاره به شیعه دارد،^{۲۶} در حالی که «فرعون» و «هامان» در سخن جعفر به «ابوبکر» و «عمر» اشاره دارد^{۲۷} (مجلسی، ۱۳۰۵-۱۳۱۵: ۱۳/۲۰۴). همین تصور البته با صراحت کمتری در تفسیر ابن ابراهیم قمی (متوفای ۳۰۷ ه.ق./۹۱۹ م.) نیز آمده که در آن فرعون، هامان و لشکرشان اشاره به کسانی دارد که حق اهل بیت را غصب کردند: «الذین غصبوا آل محمد حقهم» (قمی، ۱۳۸۶-۱۳۸۷: ۲/۱۳۳؛ مجلسی، ۱۳۰۵-۱۳۱۵: ۱۳/۲۱۳). بنا بر این تفسیر، داستان قرآن باید به عنوان مثل فهمیده شود: به همان شیوه که فرعون جنایاتی را علیه بنی اسرائیل مرتکب شد تا اینکه سرانجام به دست موسی، که همچون ابزار خدا بود، مجازات شد، همین‌طور اهل بیت نیز تحت ستم قرار گرفتند و به دست دشمنانشان به قتل رسیدند. اما زمانی انسان‌ها به این دنیا باز می‌گردند (رجعت) و تقاص خواهند داد (همان)؛ به عبارت دیگر، بنی اسرائیل و امامیان، همه رافضیان را در قالب فرعون و هامان، ابوبکر و عمر رد کردند و متحمل رنج و مرگ شدند، و تا کنون به پیروزی رسیدند یا در آینده منتظر پیروزی قطعی هستند. فرافکنی مضمون «رافضه» به دوره‌ای کهن‌تر در گزارش شیعه امامیه درباره‌ی ادریس رخ داده، که معمولاً با هِرمِس^{۲۹} و اُخْنُوخ^{۳۰} (إنوش)^{۳۱} همسان گرفته می‌شود.^{۳۲} بنا بر این گزارش، ادریس در دوره ستمکاری به نام بیورَسب^{۳۳} زندگی می‌کرده،^{۳۴} که از نسل قابیل بود.^{۳۵} کسانی که آن ستمکار را رد کردند و خودشان را جزء پیروان ادریس تلقی می‌کردند رافضه نامیده شدند (مسعودی، ۱۹۵۵: ۲۱). زمانی که یکی از این رافضی‌ها از قبول تقاضای آن ستمکار راجع به واگذاری باغ شکوفای خودش به او امتناع کرد، آن ستمکار به پیشنهاد همسرش شاهدان دروغینی را احضار کرد تا شهادت دهند که رافضی، آن ستمگر و دینش را انکار کرده است. سپس آن رافضی محکوم به مرگ شد و پادشاه، باغ او را تصرف کرد. در نقلی از این داستان، آن همسر و آن شاهدان از ازارقه بودند (خوارج متعصب ضد علی)،^{۳۷} «آنانی که کشتن روافض مؤمن را روا می‌داشتند» (ابن بابویه، ۱۳۷۹-۱۳۷۸: ۲۲۸؛ مجلسی، ۱۳۰۵-۱۳۱۵:

۷۵/۵). این گزارش که به توصیف مواجهه بین آن ستمکار و ادریس ادامه می‌دهد، شباهتی قوی با داستان‌های کتاب مقدس درباره ایلیا و یسع دارد.^{۳۸} چند نمونه‌ای که در اینجا نقل شد کافی است که نشان دهد چگونه «رافضه» در جهان شیعی از لقبی ناخوشایند به نامی که به ستایش خاصی دلالت دارد تبدیل شد. چنین رخدادی کاملاً طبیعی است؛ زمانی که رهبران شیعی متوجه شدند که نمی‌توانند خودشان را از این اصطلاح جدا کنند، درصدد برآمدن آن را به امتیازی برای خود بدل کنند. اگر آن‌طور که محتمل به نظر می‌رسد^{۳۹} این عنوان در قیام زید پدید آمده باشد،^{۴۰} بنابراین باقر (که پنج یا هشت سال قبل از قیام او فوت کرده) نمی‌تواند آن عنوان را شناخته باشد، و سخنان منسوب به او درباره رافضه می‌بایست برای دوره متأخرتری باشد. به همان دلیل کاملاً گویا است که جعفر صادق، که در حدود ۲۵ سال پس از عموی خود زید فوت کرده است، قبلاً با این اصطلاح آشنا بوده؛ بنابراین، سخنان منسوب به وی در جانبداری از رافضه ممکن است ناشی از او باشد.^{۴۱}

پی‌نوشت‌ها

- این عبارت در ضمن روایت اعمش (متوفای ۱۴۸ ه.ق.) آمده است: «و رفضتم الشر» (کوفی، ۱۴۱۰: ۳۷۶، ح ۵۰۶) (م).
- این عبارت در ضمن همان روایات آمده است: «رفضوا فرعون و دخلوا فی دین موسی» (همان) (م).
- مورخان سال قیام زید را متفاوت ذکر کرده‌اند: سال ۱۱۸ ه.ق. (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۶۹: ۳۴۴)؛ سال ۱۲۰ ه.ق. (ابن سعد زهری، بی‌تا: ۳۲۶/۵؛ طبری، ۱۳۵۸: ۱۳۱)؛ سال ۱۲۱ ه.ق. (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۶۹: ۳۶۵؛ یعقوبی، بی‌تا: ۳۲۶/۲؛ طبری، ۱۴۰۳: ۴۸۱/۵-۴۸۲؛ مسعودی، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۳؛ ۱۲۲ ه.ق. (بخاری، ۱۴۰۶: ۳۴۹/۱؛ همو، بی‌تا: ۴۰۳/۳، ش ۱۳۴۱)؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۹۶۹: ۲۱۶؛ بلاذری، ۱۳۹۷: ۲۴۲/۳، ش ۲۱؛ مسعودی، بی‌تا: ۲۷۹)؛ ابن حبان تمیمی، ۱۴۱۱: ۱۰۴، ش ۴۲۵)؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵: ۹۲) (م).
- یکی از اقدامات اولیه عباسیان انتقام‌خواهی‌شان برای زید بود. آنها جنازه هشام بن عبدالملک (حک. ۱۰۵-۱۲۵ ه.ق.) را از گورش بیرون کشیدند و او را به دار آویختند

اصطلاح «رافضه» در کاربرد شیعه امامیه: ترجمه و نقد دو مقاله از اتان کلبرگ / ۲۳

۵. ابن سعد زهری، بی تا: ۳۲۶/۵؛ طبری، ۱۳۵۸: ۱۳۱؛ همو، ۱۴۰۳: ۲۲۵-۲۲۶ (م).
۵. بلاذری، ۱۳۹۷: ۲۳۹-۲۴۰، ش ۱۸؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۲۸۹/۸؛ طبری، ۱۴۰۳: ۴۹۸/۵-۴۹۹ (م).
۶. در این خصوص نک: دباغی، ۱۳۹۸ (م).
۷. رسی، ۱۴۲۱: ۶۱-۶۲ (م).
۸. اشعری، ۱۴۲۶: ۳۳/۱ (م).
۹. این گفته متگومری وات را در مقاله W. Montgomery Watt, "The Rāfidites: A preliminary Study," in: *Oriens*, 16, 1963, pp. 110-121. at p, 119 فرقه به کار نمی‌برند، مقایسه کنید با نظر مخالف J. Calmard, "Le Chiisme imamite en Iran à l'époque seldjoukide, d'après le Kitab al-Naqd," in *Le monde iranien et l'Islam*. I, Geneva and Paris, 1971, pp, 43-67, at p, 51.
۱۰. عَیْنَه یا عَیْنَه بن میمون، مولی بجیله و شاگرد جعفر صادق، نک: نجاشی، ۱۳۱۷: ۲۱۴؛ طوسی، ۱۹۶۳: ۲۶۲. و برای توضیح درباره نامش نک: ممقانی، ۱۳۵۰: ۲۴۳/۲-۲۴۴.
۱۱. قال (علیه السلام): «والله لنعم الاسم الذي منحكم الله ما دمتم تأخذون بقولنا ولا تكذبون علينا. قال: و قال لی ابو عبدالله عليه السلام هذا القول إني كنت خبرته ان رجلا قال لی: إياک أن تكون رافضیا» (برقی، ۱۹۶۴: ۱۵۷/۱، باب ۲۴، ح ۹۰) (م).
۱۲. عن ابی الجارود قال: أصم الله أذنيه كما أعمى عينيه ان لم یکن سمع ابا جعفر علیه السلام یقولن ان فلانا سمانا یاسم، قال: و ما ذاک الاسم؟ قال: سمانا الرافضة، فقال ابو جعفر علیه السلام بیده إلى صدره: و أنا من الرافضة و هو منی قالها ثلاثا (برقی، ۱۹۶۴: ۱۵۷/۱، باب ۲۴، ح ۹۱) (م).
۱۳. همچنین مقایسه کنید با حدیثی که طبری، ۱۹۶۳: ۲۷۶ نقل کرده؛ و نک: حسنی رازی، ۱۳۱۳: ۳۲-۳۳.
۱۴. دو نفر از آنها قبطی و سرکرده جادوگران بودند و بقیه ۷۰ نفر از مردم بنی اسرائیل بودند که به اجبار فرعون جادوگری را آموخته بودند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۵۴/۶). البته برخی مفسران تعداد آنها را ۷۰، ۱۲۰۰۰، ۱۹۰۰۰ و حتی ۸۰۰۰۰ نفر نیز گفته‌اند (ابن کثیر، ۱۳۸۸: ۴۳/۲) (م).
۱۵. اعداد بسیار بزرگ‌تری نیز گفته شده، برای نمونه: ۹۰۰، ۱۵۰۰۰، و بیش از ۳۰۰۰۰ و حتی ۷۰۰۰۰ را نیز ذکر کرده است، نک: طبری، ۱۹۵۴: ۲۴/۱۱ و ۱۸۴/۱۶-۱۸۶ (م).
۱۶. مأخذ Speyer, 1931، pp. 266-267 را با Repr. Hildesheim, 1961، مقایسه کنید.

۱۷. ابوحاتم رازی (متوفای حدود ۳۲۲ ه.ق./ ۹۳۴ م.) احتمالاً نخستین فرقه‌نگاری است که به معنای ستایش آمیزی پرداخته باشد که نامیده‌شدگان به اصطلاح «رافضه» داده‌اند. وی می‌گوید چون شریعت موسوی به عبری نگاشته شده پذیرفتنی نیست که با واژه‌ای عربی مثل «رافضه» به بنی اسرائیل اشاره شده باشد، نک.: ابوحاتم رازی، ۱۳۹۲: بخش فرقه‌ها، *الغلات والفرق الغالیة فی الحضارة الاسلامیة*، ص ۲۷۱ [البته در پاسخ می‌توان گفت مانعی ندارد عنوان «رافضه» ترجمه واژه عبری باشد؛ همان‌گونه که نام مبارک دو امام حسن و حسین (ع) ترجمه عبری نام فرزندان هارون (ع)، یعنی شبر و شبیر، بوده است (عبسی کوفی، ۱۴۰۹: ۵۱۳/۷، ح ۱۱؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۱۳۸/۱، ح ۷) (م.).]

۱۸. اگرچه من در ارجاع به رافضیان با این استدلال مواجه نشدم، اما در آن خط فکری این‌گونه ادبیات جدلی کاملاً رایج بوده است.

۱۹. قال (علیه السلام): «ان سبعین رجلا من عسكر فرعون رفضوا فرعون فأتوا موسى عليه السلام فلم یکن فی قوم موسى عليه السلام أحد أشد اجتهادا ولا أشد حبا لهارون منهم فسماهم قوم موسى الرفضة، فأوحى الله الی موسى: ان ثبت لهم هذا الاسم فی التوراة فانی قد نحلثهم و ذلك اسم قد نحلکموه الله» (برقی، ۱۳۳۰: ۱۰۷/۱، ح ۹۲) (م.).

۲۰. صدوق، ۱۳۸۵: ۲۰۱/۱-۲۰۲، ح ۲؛ عبسی کوفی، ۱۴۰۹: ۴۹۶/۷، ح ۱۱-۱۵؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۱۲۹/۵ (م.).

۲۱. برای نمونه نک.: ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶: ۲۱۹/۲ و صفحات بعد، و ۴۶/۳. این روایت در منابع سنی نیز دیده می‌شود، اگرچه سنن‌ناجی همچون شیعه به دست نمی‌دهند. برای برخی از مجادلات امامی در این باره نک.: شریف مرتضی، ۱۳۰۱: ۱۴۸ و صفحات بعد. برای دیدگاه سنی از باب مثال نک.: جاحظ، ۱۹۵۵: ۱۵۳-۱۵۹؛ عبدالجبار، ۱۹۶۶: ج ۲۰، باب دوم، ص ۱۲۶؛ ابن حجر هبتمی، ۱۳۸۵: ۴۹-۵۰.

۲۲. قال (علیه السلام): «أن سبعین رجلا من بنی اسرائیل رفضوا فرعون و قومہ لما استبان لهم ضالهم فلحقوا بموسی عليه السلام لما استبان لهم هده فسموا فی عسكر موسى الرفضة لانهم رفضوا فرعون و كانوا أشد أهل ذلك العسكر عبادة و أشدهم حبا لموسی و هارون و ذریتهما علیهما السلام» (کلینی، ۱۳۴۸: ۳۳/۸-۳۶، ح ۶). و با اندکی تفاوت در برخی کلمات (مفید، بی تا: ۱۰۴-۱۰۷) (م.).

اصطلاح «رافضه» در کاربرد شیعه امامیه: ترجمه و نقد دو مقاله از اتان کلبرگ / ۲۵

۲۳. برای مقایسه میان بنی اسرائیل و رافضیان نک.: قمی، ۱۳۸۶-۱۳۸۷: ۱۳۴/۲؛ مجلسی، ۱۳۰۵-۱۳۱۵: ۲۱۳/۱۳-۲۱۴.

۲۴. برای اطلاع بیشتر نک.: نصیری و صالحی، ۱۳۹۶: ۱۳۳-۱۵۶ (م.).

۲۵. «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ» (م.).

۲۶. در روایتی از مفضل جعفی به نقل شیخ صدوق از امام صادق (ع) مصداق این آیه اهل بیت (ع) بیان شده‌اند (صدوق، ۱۳۶۱: ۷۹، ح ۱). همچنین، روایاتی دیگر در همین معنا از حضرت علی (ع) وارد شده است (تهجج البلاغه، ۴۷/۴، خطبه ۲۰۹؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۳۱۳، ح ۱-۴۱۹؛ صدوق، ۱۴۱۷: ۵۶۶، ح ۲۶-۷۶۸). البته در نقلی مصداق این روایت امام زمان (ع) شمرده شده‌اند (صدوق، ۱۴۰۵: ۴۲۴-۴۲۶، ح ۱). ناگفته نماند که در برخی از منابع گفته شده که بنی عباس خود را مصداق این آیه معرفی می‌کردند (تنوخی، ۱۳۶۴: ۳۴۸/۲ (م)).

۲۷. در نقل مجلسی به نام شیخین تصریح نشده و به جای آن نام عشیره آن دو ذکر شده است؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۲۸/۳۱، ح ۱۲۷ و ۲۵/۵۳-۲۶ (م).

۲۸. مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۴/۵۳، ح ۳۲ (م).

۲۹. مسعودی به هر دو نام «هرمس» و «أخنوخ» اشاره کرده است (مسعودی، ۱۳۸۶: ۱۱۰-۱۱۱). و می‌گوید صابئه مدعی‌اند که نام ادریس پیامبر (ع) هرمس به معنای عطارد بوده است (مسعودی، ۱۴۰۴: ۵۰/۱ (م)).

۳۰. بیشتر منابع حضرت ادریس (ع) را با این نام معرفی کرده‌اند: یعقوبی، بی تا: ۱/۱؛ طبری، ۱۴۰۳: ۱۱۵/۱-۱۱۷؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۱۷۴/۴-۱۷۷، ح ۵۴۰۲ (م).

۳۱. آنوش پسر شیب نوه حضرت آدم (ع) است و ادریس (ع) فرزند یرد بوده و بین آن دو سه نسل است (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۶۹: ۲۰-۲۱، ش ۱۱؛ یعقوبی، بی تا: ۷/۱-۹؛ طبری، ۱۴۰۳: ۱۱۰/۱؛ مسعودی، ۱۴۰۴: ۴۹/۱ (م)).

۳۲. مسعودی، ۱۹۵۵: ۲۰: «ادریس و هو هرمس و هو آخنوخ»؛ مقایسه کنید: EI, new edition, s.v., "Idris" [G. Vajda]. در اثبات (ص ۲۳-۲۴) دو نفر به نام «أخنوخ» معرفی شده‌اند. اولی همچنان که به «ادریس» مشهور است، پدر بزرگ دومی بوده؛ که این دومی پدر بزرگ «نوح» بوده است. برای توضیح احتمالی درباره این افزوده به تبارشناسی (شجره) کتاب مقدس نک.: Ch. Pellat, "Masūdī et l'Imāmisme," in Le Shiism Imāmīte, ed. R. Brunschvig and T. Fahd,

Paris, 1970. [pp. 69-90], p. 80. برخلاف تمایل پلات در اثبات اصالت کتاب *اِثبات* به شخص

مسعودی، ت. خلیدی در این انتساب تردید کرده است (T. Khalidi, *Islamic Historiography*:

The Histories of Masūdi, Albany, 1975. pp. 138. n. 2, 163-164).

۳۳. بیوراسب که در زبان فارسی باستانی ازدهاق گفته می‌شود و معرب آن ضحاک است

(طبری، ۱۴۰۳: ۱۳۳/۱). گفته شده وی در دوره نبوت حضرت نوح (ع) می‌زیسته (همان:

۱۱۹) و مؤسس دیانت صابئه بوده (همان: ۱۲۲) است. در نقلی دیگر گفته شده که وی در

زمان حضرت ابراهیم (ع) بوده است (همان: ۱۳۴). بر سر اینکه اصالتاً پارسی یا عرب بوده

اختلاف است (همان: ۱۳۳-۱۳۴؛ مسعودی، ۱۴۰۴: ۲۴۷/۱؛ همو، بی تا: ۷۵-۷۶) (م).

۳۴. در نسخه چاپ شده *اِثبات* (ص ۲۱) نام او به اشتباه «بیوراسب» گفته شده است.

۳۵. در آثار مهم موجود مسعودی (بی تا: ۸۵؛ همو، ۱۴۰۴: ۲۶۴/۱) بیوراسب به درستی با

زحاک/ضحاک در شاهنامه مشهور یکسان گرفته شده، مقایسه کنید: Th. Nöldeke, *Das*

iranische Nationalepos, Berlin & Leipzig, 1920, p. 19, n. 2.

۳۶. برای مناقشه در این بحث نک: Molé, 1963: 303-316 at pp. 314-315; Pellat, *Ibid.*.

این بابویه، ۱۳۷۸-۱۳۷۹: ۲۲۷/۱؛ مجلسی، ۱۳۰۵-۱۳۱۵: ۷۴/۵.

۳۷. چنین توضیحی در متن روایت وجود ندارد (صدوق، ۱۴۰۵: ۱۲۷-۱۳۰، ح ۱؛ مجلسی،

۱۴۰۳: ۲۷۱/۱۱-۲۷۶، ح ۲). لیکن در آثار فرقه‌نگاری، این گروه ذکر شده‌اند (اشعری،

۱۴۲۶: ۸۴/۱-۸۵) (م).

۳۸. مقایسه کنید با: Vajda, 1941-5: 124-133؛ در نقلی دیگر، رافضه نخستین هفتاد نفر از پیروان

نوح بودند، نک: قزوینی رازی، ۱۹۵۲: ۵۸۵-۵۸۶.

۳۹. احتمالات دیگری نیز ذکر شده؛ از زمان قیام مغیره بن سعید بجلی (متوفای ۱۱۹ ه.ق.)

(ناشی اکبر، ۲۰۰۳: ۴۶، ش ۷۲؛ نوبختی، ۱۳۵۵: ۶۲-۶۳؛ طبری، ۱۴۰۳: ۴۹۸/۵؛ ابوحاتم،

۲۰۱۵: ۵۰۲/۱، ش ۱۳۳ و ص ۵۵۳؛ تیممی مغربی، ۱۳۸۳: ۴۹/۱)، یا از دوره ابن سبأ

(نوبختی، ۱۳۵۵: ۲۲-۲۳؛ خال، ۱۴۱۰: ۴۹۶/۳-۴۹۷، ش ۷۹۱؛ ابن عبدربه، ۱۴۰۴:

۲۴۹/۲) (م).

۴۰. به دلایلی قیام زید نمی‌تواند سرآغاز پیدایش این اصطلاح باشد (نک: دباغی، ۱۳۹۸). از

جمله اینکه گزارش‌هایی در کاربرد این واژه در سده نخست دیده می‌شود (غطفانی، بی تا:

۱۸۲/۱، ش ۱۱۶۳؛ ابن ابی‌الدنیا، ۱۴۰۸: ۱۲۹، ش ۲۲۵؛ وکیع، بی تا: ۲۸/۳-۲۹؛ خال

اصطلاح «رافضه» در کاربرد شیعه امامیه: ترجمه و نقد دو مقاله از اتان کلبرگ / ۲۷

۱۴۱۰: ۴۹۶/۳-۴۹۸، ش ۷۹۱؛ بیهقی، بی تا: ۱۰۳؛ ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۲۴۹/۲؛ ابن شاهین، ۱۴۱۵: ۲۴، ش ۶؛ دارقطنی، ۱۴۰۶: ۱۴۱۸/۳ (م).

۴۱. همه روایات ذکرشده از اهل بیت (ع) و اهل سنت درباره عنوان «رافضه»، بعد از واری سند و بررسی محتوایی، هیچ یک موثق نبود؛ لیکن با نگاهی به مجموع آنها می توان به نتایجی دست یافت؛ برای اطلاع بیشتر نک.: دباغی، ۱۳۹۸ (م).

منابع نویسنده

قرآن کریم.

ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۷۸-۱۳۷۹). *إكمال الدین*، تهران: بی نا، ج ۱.
ابن حجر هیتمی، علی (۱۳۸۵). *الصواعق المحرقة*، تحقیق: عبد الوهب عبد اللطیف، قاهره: بی نا.

ابن شهر آشوب (۱۹۵۶). *مناقب علی بن ابی طالب*، تحقیق: عده ای از علمای نجف، نجف: بی نا، ج ۲ و ۳.

ابو حاتم رازی، احمد ابن حمدان (۱۳۹۲/۱۹۷۲). *کتاب الزینة*، تحقیق: عبدالله سامرای، بغداد: بی نا.

برقی، احمد ابن محمد (۱۹۶۴). *المحاسن*، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف: بی نا.
تعلبی، احمد ابن محمد (بی تا) *قصص الأنبياء*، بیروت: بی نا.

جاحظ (۱۹۵۵). *العثمانية*، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قاهره: بی نا.

حسنی رازی، مرتضی بن قاسم (۱۳۱۳/۱۹۳۴). *تبصرة العوام*، تحقیق: اقبال تهران: بی نا.

شرف الدین موسوی، سید عبد الحسین (۱۹۶۳). *کتاب المراجعات*، نجف: بی نا.

شریف مرتضی (۱۳۰۱). *الشافی للإمامة*، تهران: بی نا.

شمس الدین ذهبی، محمد ابن احمد (۱۹۵۶). *تذكرة الحفاظ*، حیدرآباد: بی نا، ج ۱.

طبری، محمد ابن جریر (۱۹۵۴). *تفسیر*، قاهره: بی نا، ج ۱۱ و ۱۶.

طبری، محمد بن ابی القاسم (۱۹۶۳). *بشارة المصطفى*، نجف: بی نا.

طوسی، محمد بن حسن (۱۹۶۳). *کتاب الرجال*، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف: بی نا.

قاضی عبد الجبار (۱۹۶۶). *المعنی*، تحقیق: عبد الحلیم و سلیمان دنیا، قاهره: بی نا، ج ۲۰.

قزوینی رازی، عبد الجلیل (۱۹۵۲). *کتاب التفض*، تحقیق: جلیل الدین حسینی ارموی، تهران: بی نا.

- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۶-۱۳۸۷). تفسیر، تحقیق: طیب موسوی جزائری، نجف: بی‌نا، ج ۲.
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵-۱۳۷۷). الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: بی‌نا، ج ۸.
 کوفی، فرات ابن ابراهیم (۱۳۵۴). تفسیر، نجف: بی‌نا.
 مجلسی، محمد باقر (۱۳۰۵-۱۳۱۵). بحار الأنوار، بی‌جا: بی‌نا، ج ۵، ۱۱، ۱۳، ۱۵.
 مسعودی، علی بن حسین (۱۸۹۳). التنبیه والإشراف، تحقیق: ام. جی. دی گوج، لیدن: بی‌نا.
 مسعودی، علی بن حسین (۱۹۵۵). إثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب، نجف: بی‌نا.
 مسعودی، علی بن حسین (۱۹۶۵). مروج الذهب، تحقیق: سی. اچ. پلت، بیروت: بی‌نا، ج ۱.
 مفید، محمد بن نعمان (۱۹۷۱). الإختصاص، نجف: بی‌نا.
 ممقانی، عبدالله (۱۳۵۰). تنقیه المقال فی علم الرجال، نجف: بی‌نا، ج ۲.
 نجاشی، احمد بن علی (۱۳۱۷). کتاب الرجال، بمبئی: بی‌نا.

Brockelmann, C.; Pellat, Ch. (n.d.). "al-Amash", in: *The Encyclopaedia of Islam*, new edition, s.v.

Calmard, J. (1971). "Le Chiïsme imamite en Iran à l'époque seldjoukide, d'après le *Kitab al-Naqd*," in: *Le monde iranien et l'Islam*. I, Geneva and Paris, pp. 43-67.

Friedlaender, I. (1908). "The Heterodoxies of the Shiites in the Presentation of Ibn Ḥazm," in: *JAOS*, 29, pp. 137-159.

GAS, I, p. 534.

Khalidi, T. (1975). *Islamic Historiography: The Histories of Masūdī*, Albany, pp. 138. n. 2, 163-164.

Kister, M. J. (1972). "Ḥaddithū an banī isrā'īla wa-lāḥaraja," in: *Israel Oriental Studies*, 2, pp. 215-239.

Molè, M. (1963). "Entre le mazdéisme et l'Islam; la bonne et la mauvaise religion," in: *Mélanges Henri Massé*, Tehran, pp. 303-316.

Nöldeke, Th. (1920). *Das iranische Nationalepos*, Berlin & Leipzig, p. 19, n. 2.

Pellat, Ch. (1970). "Masūdī et l'Imāmisme," in: *Le Shīsm Imāmīte*, ed. R. Brunschvig and T. Fahd, Paris, pp. 69-90.

Repr. *Hildesheim*, 1961, pp. 266-267.

Rosenthal, F. (1962). "The Influence of the Biblical Tradition on Muslim Historiography," in: *Historians of the Middle East*, ed. B. Lewis and P. M. Holt, London, pp. 35-45.

Speyer, H. (1931). *Die biblischen Erzählungen im Qoran*, Gräfenhainichen.

Vajda, G. (1941-5). "Deux 'histoires de Prophètes' selon la tradition des Shītes duodécimains," in: *REJ*, 106, pp. 124-133.

اصطلاح «رافضة» در کاربرد شیعه امامیه: ترجمه و نقد دو مقاله از اتان کلبیگ / ۲۹

Vajda, G. (n.d.). *The Encyclopaedia of Islam*, new edition, s.v., "Idris".

Watt, W. Montgomery (1963). "The Rāfiḏites: A Preliminary Study," in: *Oriens*, 16, pp. 110-121.

منابع مترجم

قرآن کریم.

نهج البلاغه (بی تا). شرح: محمد عبده، بیروت: دار المعرفة، ج ۴.

ابن ابی الدنيا قشیری، عبد الله بن محمد (۱۹۸۸/۱۴۰۸). الصمت و حفظ اللسان، تحقیق: محمد احمد عاشور، قاهره: دار اعتصام: الطبعة الثانية.

ابن اعثم کوفی، احمد (۱۹۹۱/۱۴۱۱). الفتوح، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار اضواء، الطبعة الاولى، ج ۸.

ابن حبان تمیمی، محمد (۱۹۹۱/۱۴۱۱). مشاهیر علماء الأمصار و أعلام فقهاء الأقطار، تحقیق: مرزوق علی ابراهیم، منصوره: دار وفا، الطبعة الاولى.

ابن شاهین بغدادی، عمر بن احمد (۱۹۹۵/۱۴۱۵). شرح مذاهب أهل السنة و معرفة شرائع الدين و التمسک بالسنن، تحقیق: عادل بن محمد، بی جا: مؤسسة قرطبة، الطبعة الاولى.

ابن عبد ربه اندلسی، احمد بن محمد (۱۴۰۴). العقد الفريد، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى، ج ۲.

ابن قتیبہ دینوری، عبد الله بن مسلم (۱۹۶۹). المعارف، تحقیق: ثروت عکاشة، قاهره: دار المعارف، الطبعة الثانية.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل (۱۹۸۶/۱۳۸۸). قصص الأنبياء، تحقیق: مصطفی عبد الواحد، مصر: دار الکتب الحدیثة، الطبعة الاولى، ج ۱.

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۹۶۵/۱۳۸۵). مقاتل الطالبیین، اشرف کاظم مظفر، نجف: مکتبة حیدریة، الطبعة الثانية.

ابوحاتم ورسنانی رازی، احمد بن حمدان (۲۰۱۵). الزیة، تحقیق: سعید غانمی، بیروت- بغداد: منشورات جمل، الطبعة الاولى، ج ۱.

اشعری، علی بن اسماعیل (۲۰۰۵/۱۴۲۶). مقالات الإسلامیین واختلاف المصلین، تحقیق: نعیم زرزور، بی جا: مکتبة عصریة، الطبعة الاولى، ج ۱.

انباری (ناشی اکبر)، عبدالله بن محمد (۲۰۰۳). مسائل الإمامة و مقتطفات من کتاب الأوسط فی المقالات، تحقیق: یوسف فان. اس.، بیروت: دار نشر إرغون فیرا، الطبعة الثانية.

بخارى، محمد بن اسماعيل (١٩٨١/١٤٠١). صحيح البخارى، بي جا: دار الفكر، ج ٥.
بخارى، محمد بن اسماعيل (١٩٨٦/١٤٠٦). التاريخ الصغير، تحقيق: محمود ابراهيم زائد،
بيروت: دار المعرفة، الطبعة الاولى، ج ١.

بخارى، محمد بن اسماعيل (بي تا). التاريخ الكبير، ديار بكر: مكتبة الاسلامية، ج ٣.
برقى، احمد بن محمد (١٣٣٠). المحاسن، تصحيح: جلال الدين حسيني، تهران: دار الكتب
الاسلامية، ج ١.

بلاذرى، احمد بن يحيى (١٩٧٧/١٣٩٧). أنساب الأشراف، تحقيق: محمد باقر محمودى، بيروت:
دار التعارف، الطبعة الاولى، ج ٣.

بيهقى، ابراهيم بن محمد (بي تا). المحاسن والمساوى، بي جا: بي نا.
تميمي مغربى، نعمان بن محمد (١٩٦٣/١٣٨٣). دعائم الإسلام و ذكر الحلال والحرام والقضايا
والأحكام عن أهل البيت رسول الله عليه و عليهم أفضل السلام، تحقيق: آصف بن على
اصغر فيضى، قاهرة: دار المعارف، ج ١.

تنوخى، محسن بن على (١٣٦٤). الفرغ بعد الشدة، قم: شريف رضى، الطبعة الثانية، ج ٢.
ثعلبى، احمد بن محمد (٢٠٠٢/١٤٢٢). الكشف والبيان عن تفسير القرآن، تحقيق: ابو محمد بن
عاشور، بيروت دار احياء التراث العربى، الطبعة الاولى، ج ٦.

خلال احمد بن محمد (١٩٨٩/١٤١٠). السنة، تحقيق: عطيه زهرانى، رياض: دار رايه، الطبعة الاولى، ج ٣.
دارقطنى، على بن عمر (١٩٨٦/١٤٠٦). المؤلف والمختلف، تحقيق: موفق بن عبد الله بن عبد
القادر، بيروت: دار الغرب الاسلامى، الطبعة الاولى، ج ٣.

دباغى، حيدر (١٣٩٨). سير تطور تاريخى اصطلاح «رافضه» در سه سده نخست، پايان نامه
كارشناسى ارشد مطالعات تاريخ تشيع، استاد راهنما: على آقانورى، استاد مشاور: نعمت الله
صفرى فروشاني، قم: دانشگاه اديان و مذاهب.

دينورى، احمد بن داود (١٩٦٠). الأخبار الطوال، تحقيق: عبد المنعم عامر، قاهرة: دار احياء
الكتب العربى، الطبعة الاولى.

رسى، يحيى بن حسين (٢٠٠١/١٤٢١). مجموع رسائل الإمام الهادى إلى الحق القويم يحيى بن
الحسين بن القاسم بن ابراهيم، تحقيق: سيد مجد الدين بن محمد مؤيدى، صعده: مؤسسة
امام زيد بن على، الطبعة الاولى.

زهرى، محمد ابن سعد (بي تا). الطبقات الكبرى، بيروت: دار صادر، ج ٥.

اصطلاح «رافضه» در کاربرد شیعه امامیه: ترجمه و نقد دو مقاله از اتان کلبیگ / ۳۱

- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۱). معانی الأخبار، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵/۱۹۶۶). علل الشرائع، نجف: مکتبه حیدریه، ج ۱.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴). من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه اسلامی، الطبعة الثانية، ج ۴.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۳/۱۴۰۵). کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷). الأمالی، قم: مؤسسه بعثة، الطبعة الاولى.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۸/۱۹۳۹). المنتخب من ذیل المذیل من تاریخ الصحابة والتابعین، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۸۳/۱۴۰۳). تاریخ الأمم والملوک (تاریخ الطبری)، بیروت: مؤسسه اعلمی، الطبعة الرابعة، ج ۱، ۵، ۶.
- عبسی کوفی (ابن ابی شیبہ)، عبد الله بن محمد (۱۹۸۹/۱۴۰۹). المصنف، بیروت: دار الفکر، الطبعة الاولى، ج ۱.
- غطفانی، یحیی ابن معین (بی تا). تاریخ ابن معین، تحقیق: عبد الله احمد حسن، به روایت عباس بن محمد دوری، بیروت: دار قلم، ج ۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۸). الأصول من الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، الطبعة الثانية، ج ۸.
- کوفی، فرات ابن ابراهیم (۱۹۹۰/۱۴۱۰). تفسیر، تحقیق: محمد کاظم، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳/۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقیق: عبد الزهراء علوی، ج ۱۱ و ۵۳، بیروت: مؤسسه وفا، الطبعة الثانية؛ ج ۳۱، الطبعة الثانية، بیروت: دار رضا.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۹۶۶/۱۳۸۶). أخبار الزمان و من أباده الحدیثان و عجائب البلدان والغامر بالماء والعمران، بیروت: دار اندلس، الطبعة الثانية.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۴). مروج الذهب و معادن الجواهر، قم: دار هجرة، الطبعة الثانية، ج ۱ و ۳.
- مسعودی، علی بن حسین (بی تا). التنبيه والإشراف، بیروت: دار صعب.
- مفید، محمد بن نعمان (بی تا). الاختصاص، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا). *البدء والتاریخ*، بورسعید: مکتبة الثقافة الدينية، ج ۵. نصیری، هادی؛ صالحی، محمدعلی (۱۳۹۶). «توحید مفضل بن عمر جعفی در ترازوی نقد»، در: کتاب قیم، س ۷، ش ۱۶، ص ۱۳۳-۱۵۶.

نویختی، حسن بن موسی (۱۹۳۶/۱۳۵۵). *فرق الشیعة*، تصحیح: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: مکتبة رضویة.

وکیع، محمد بن خلف (بی تا). *أخبار القضاة*، بیروت: عالم کتب، ج ۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). *تاریخ الیعقوبی*، قم: مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، ج ۱ و ۲.

رافضه

«رافضه» یا «روافض» واژه‌ای است که به دو معنا اشاره دارد: الف. امامیان نخستین (که بعدها شیعه دوازده‌امامی شدند)؛^۱ ب. هر یک از فرقه‌های شیعه.^۲

در این مقاله این واژه به معنای نخست به کار می‌رود، مگر اینکه در جایی به معنای دیگری اشاره شود. منشأ این اصطلاح محل اختلاف است. نخست، فرقه‌نویسان نخستین امامیه معتقد بودند این نام را ابتدا مغیره بن سعید (اعدام‌شده در ۱۱۹ ه.ق./۷۳۷ م.) بر پیروان جعفر صادق^۳ اطلاق کرده بود (ناشی اکبر، ۱۹۷۱: ۴۶، ش ۷۲؛ نوبختی، ۲۰۰۸: ۵۴؛ ابوحاتم رازی، ۲۰۱۵: ۵۰۲/۱، ش ۱۳۳)؛ هنگامی که آنان بالغور از او جدا شدند (نک: «مغیره» (ناشی اکبر، ۱۹۷۱: ۴۱، ش ۶۱؛ اشعری، ۱۴۰۰: ۶-۹، فرقه چهارم؛ ابوحاتم رازی، ۲۰۱۵: ۵۵۲/۱-۵۵۳، ش ۱۶۸).^۴ دوم، در مقابل، گزارش‌های دیگری این واژه را به شورش ناکام زید بن علی ضد امویان در سال ۱۲۲ ه.ق./۷۴۰ م. مرتبط می‌کنند.^۵ بر اساس این گزارش‌ها (از جمله گزارش (حمیری، ۱۴۳۰-۱۴۳۱: ۲۲۲) مورخ کوفی عوانة بن حکم^۶ و گزارش دیگری (طبری، ۱۴۰۳: ۴۹۷/۵-۴۹۹) از ابومخنف^۷) برخی از کوفیانی که ابتدا به اردوگاه زید پیوسته بودند، تداوم پشتیبانی خویش را از وی به بیزاری‌جویی از ابوبکر و عمر (یا همه صحابه)^۸ مشروط کردند. وقتی زید از پذیرش درخواستشان سرباز زد، او را رها کردند و بدین‌گونه باعث شکستش شدند. بنا به نقل دیگری گفته شده اصطلاح «رافضه» یادآور رهاکردن زید (ابوالحسین طبری، ۱۴۲۱: ۲۷۷؛ ابوتام نیشابوری، ۱۹۹۸: ۱۲۱)، یا رهایی دو خلیفه نخست (اشعری، بی‌تا: ۱۶؛ ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۲۴۵/۲؛ مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۸) یا هر دوی آنها است.^۹

این عنوان با اشاره به امامیان نخستین در بیاناتی که وثاقتشان مشکوک است،^{۱۰} منسوب به شعبی راوی^{۱۱} (متوفای ۱۰۳ ه.ق./۷۲۱ م. یا ۱۱۰ ه.ق./۷۲۸ م.) به کار رفته،^{۱۲} و در نیمه سده دوم (هشتم میلادی) بنا بر نقل‌هایی به دست سلیمان بن جریر زیدی^{۱۳} و دیگران رواج پیدا کرده است (نوبختی، ۱۹۳۱: ۵۵-۵۷). شگفت‌آور نیست که محافل حسنی به‌ویژه در تبلیغ روایات ضدرافضی فعال بودند. گفته شده که خود زید از پیامبر نقل کرده که ایشان به علی گفته وی باید هر رافضی‌ای را که ببیند بکشد، چون آنان مشرک‌اند^{۱۴} (حمیری، ۱۹۴۸: ۱۸۵).^{۱۵} همچنین، گفته شده که محمد فرموده: «در

آخرالزمان، گروهی ظهور خواهند کرد که روافض نامیده می‌شوند و آنان اسلام را رها خواهند کرد.^{۱۶} بنا بر نقلی منسوب به سُدّی^{۱۷} (متوفای ۱۲۷ ه.ق./۷۴۴-۷۴۵ م.) زید متارکه رافضه را با شورش خوارج ضد علی مقایسه کرده است^{۱۸} (ابن‌عساکر، بی‌تا: ۶۴۸/۶). مخالفان رافضه مدعی‌اند رفض در یهودیت ریشه دارد؛ آنها ادعا می‌کنند که عبدالله

بن سبا (M. G. S. Hodgson, Abd Allāh b. Saba', in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. I, p. 51) خاستگاه یهودی داشته، و [عقیده] تشبیه که ظاهراً یکی از نشانه‌های یهودیت است نخستین بار از طریق رافضه به جهان اسلام وارد شده است^{۱۹} (مقایسه کنید با: J. Van Ess, *Theologie und Gesellschaft*, I, pp. 399-403).^{۲۰}

با اینکه رافضه در ابتدا به قصد توهین به کار می‌رفت، اما امامیه خیلی زود آن را به لقبی افتخارآمیز تبدیل کردند. اعمش^{۲۱} راوی نقل می‌کند که جعفر صادق بیان فرموده: «آن نام را خداوند به شیعه داده و در تورات و انجیل از پیش حفظ شده است». بنا به گفته صادق، در میان قوم فرعون هفتاد تن بودند که فرعون را رها کرده و به جای آن به موسی پیوستند. لذا خداوند آنها را رافضه نامید، یعنی کسانی که شر را رها کرده‌اند، و به موسی دستور داد این کلمه را به عربی اصیل در تورات بنگارد. پس از مرگ محمد، زمانی که بیشتر مسلمانان نخستین از مسیر اصلی منحرف شدند، فقط شیعیان بودند که شر را رها کردند.^{۲۲} به این ترتیب آنها جانشینان رافضه نخستین شدند. بنا بر نقل دیگری، کسانی که فرعون را رها کردند قبطی نبودند بلکه اسرائیلی‌هایی بودند که به دین فرعون گرویده بودند (یا شاید در آن متولد شده بودند)؛ و پس از آنکه به خطای خود پی بردند، دوباره به هم‌کیشان پیشینشان پیوستند^{۲۳} (کلینی، ۱۳۷۵-۱۳۷۷: ۳۴/۸). با این حال گزارش دیگری می‌گوید این اصطلاح را در اصل گوساله‌پرستان بر هارون و پیروانش اطلاق کردند، از این رو این واژه به طرفداران علی داده شد (عاملی بیاضی، ۱۳۸۴: ۳۲۳/۱).^{۲۴} این مطلب برگرفته از حدیث مشهور امامیه است که جایگاه علی نسبت به پیامبر را همسان جایگاه هارون نسبت به موسی بیان می‌کند.^{۲۵} نشانی از این اصطلاح حتی در دوره‌ای کهن‌تر از این دوره در نقل امامی دیگری درباره ادریس (G. Vajda, *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. III, pp. 1030-1031) وجود دارد. بنا بر این نقل، ادریس در دوره پادشاهی ستمگری بی‌دین به نام بیوراسب^{۲۶} زندگی می‌کرد (همان

ضحاک، مقایسه کنید: مسعودی، بی‌تا: ۵۳۷)، که این ستمگر از تبار قابیل بود؛ و کسانی که او را رها کردند و خودشان را جزء پیروان ادريس می‌شمردند «رافضه» نامیده می‌شدند (صدوق، ۱۴۰۵: ۱۲۷-۱۳۰، ح ۱؛ مسعودی، ۱۹۵۵: ۲۰-۲۱). در پایان، نقلی دیگر می‌گوید رافضه نخستین هفتاد نفر از پیروان نوح بودند (قزوینی رازی، ۱۹۸۰: ۵۸۵-۵۸۶).^{۲۷}

رافضی‌گری که ابتدا در کوفه شکل گرفته بود در پایان سده دوم (هشتم میلادی) در قم گسترش یافت (اشعری، ۱۴۰۰: ۶۴). در حالی که در کوفه فرقه‌های گوناگون شیعی پیوسته با یکدیگر درگیر بودند در مقابل، قم به دژ پایدار عقاید رافضه بدل شده بود. نخست در قم بود که احادیث رافضه جمع‌آوری شد.^{۲۸} محدثان قمی بیشتر عرب بودند، در حالی که راویان کوفی از موالی بودند. مراکز رافضی‌نشین در سده سوم (نهم میلادی) عبارت بود از: اهواز، ری و نیشابور. و در سده چهارم (دهم میلادی) رافضی‌گری به طوس، بیهق و مناطق گوناگونی در طبرستان و بین‌النهرین گسترش یافت.^{۲۹} و بغداد (به‌ویژه محله کرخ) به کانون عقل‌گرایی کلام رافضه تبدیل شده بود (نک: Madelung, 1988: 78-86).

نخستین رافضیان دیدگاه‌های افراطی ضدسنّی را با تقیه سیاسی ترکیب کرده بودند. برجسته‌ترین متکلمانشان عبارت بودند از: زراره بن اعین (متوفای ۱۵۰ ه.ق. ۷۶۷ م.)، شیطان الطاق، هشام جوالمیقی و هشام بن حکم^{۳۰} (متوفای ۱۷۹ ه.ق. ۷۹۵-۶ م.) (خیاط، ۱۹۲۵: ۶؛ اشعری، ۱۴۰۰: ۶۳-۶۴). آنان به تعدادی زیرشاخه تقسیم می‌شدند که برخی از آنها در فهرستی که ابن‌مفضل، رئیس پاسبانان وقت، برای خلیفه مهدی عباسی تهیه کرده بود، ذکر شده‌اند (کشی، بی‌تا: ۲۲۷).^{۳۱} اگرچه رافضیان در مسائلی جزئی با هم اختلاف داشتند (چنان‌که در اثری از هشام بن حکم با عنوان کتاب الردّ علی هشام الجوالیقی اشاره شده)،^{۳۲} ولی بیشتر آنها در آموزه‌های اصلی اشتراک نظر داشتند. آنها معتقد بودند خداوند یک شکل دارد، و صفاتش الزاماً در معرض تغییر است، و اینکه خدا ممکن است دستورهایش را تغییر دهد (خیاط، ۱۹۲۵: ۵-۶؛ اشعری، ۱۴۰۰: ۳۹) (نک: «بدا»)^{۳۳}. درباره مسئله امامت، معتقد بودند علی به عنوان جانشین محمد با نصّی صریح منصوب شده بود^{۳۴} و بیشتر صحابه گناهکار یا حتی کافر شده بودند، زیرا پس از مرگ پیامبر از علی پشتیبانی نکردند (ابن‌قتیبه دینوری، بی‌تا: ۱۳-۱۴). رافضیان همچنین اظهار

می‌کردند که مخالفان علی، آیاتی از قرآن را که به حق او اشاره داشته حذف کرده یا تغییر داده بودند (خیاط، ۱۹۲۵: ۱۶۴). در نتیجه نسخه قرآنی که به دست ما رسیده با قرآن وحی شده یکسان نیست.^{۳۵} رافضیان معتقد بودند که امامان و همچنین امتشان از جوهری آسمانی آفریده شده، و بدین‌سان از جهان خارج متمایز بودند.^{۳۶} و فقط اعضای این امت مؤمن‌اند (خیاط، ۱۹۲۵: ۱۰۷). آنها حتی در هنگام گناه نیز مؤمن‌اند،^{۳۷} و ورودشان به بهشت تضمین شده است.^{۳۸} همچنین، امامان از خطا و گناه معصوم‌اند (اشعری، ۱۴۰۰: ۴۸-۴۹) (نک: «عصمت» (E. Tyan, "Išma", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. IV, pp. 182-184) و مرجعیت مطلق دارند، زیرا واقعاً دانشی نامحدود دارند. و آموزه‌هایشان پایه ساختار فقهی رافضه را شکل می‌دهد (اشعری، ۱۴۰۰: ۵۰). رافضیان همچنان باور داشتند که حفظ جان از طریق تقیه^{۳۹} اغلب روا است و گاه واجب می‌شود (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۲۱۷، باب تقیه). و نیز معتقدند قبل از برپایی روز قیامت بازگشتی به این دنیا (خیاط، ۱۹۲۵: ۱۰۶-۱۰۷؛ اشعری، ۱۴۰۰: ۴۶) رخ خواهد داد (نک: «رجعت» (E. Kohlberg, "Radja", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. VIII, pp. 371-373) چنان‌که اشعری گفته، برخی از رافضیان در سده سوم (نهم میلادی) اندیشه‌های معتزله درباره توحید و قرآن را پذیرفته بودند (اشعری، ۱۴۰۰: ۴۷، گروه سوم).

در واقع، مرجعیت امام در هدایت دینی نمایان می‌شود. محمد باقر و جعفر صادق^{۴۰} اصول اعتقادی و فقهی رافضه را پایه‌گذاری کردند، و آنها را به حلقه‌ای از شاگردان خویش در مدینه آموزش دادند. با پیدایش عباسیان فعالیت‌های امامان با تنگناهای سختی روبه‌رو شد؛ آنها بیشتر در زندان یا حصر خانگی به سر می‌بردند،^{۴۱} بدین‌گونه ارتباط اندکی با پیروانشان داشتند. این حصر که با گسترش جغرافیای رافضه ترکیب شده بود، به صورت طبیعی به رشد رهبران محلی که امامان برخی از اختیارانشان را به آنها واگذاشته بودند، انجامید. مثلاً در میانه سده سوم (نهم میلادی) احمد بن محمد اشعری به عنوان رهبر توده رافضه در قم فعالیت می‌کرد و پاسدار عقاید رافضه بود (نجاشی، ۱۴۱۶: ۸۱-۸۳، ش ۱۹۸؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۶۸-۶۹، ش ۷۵/۱۳). افزون بر آن، امامان به شبکه‌ای از مأموران مالی برای جمع‌آوری خمس متکی بودند.^{۴۲} بدین‌شکل این بستر دانشمندان را پس از آغاز غیبت عهده‌دار مسئولیت کرد^{۴۳} (نک: غیبت).^{۴۴}

نمایندگان بیشتر گروه‌های دینی دیگر رافضیان را در معرض هجمه قرار دادند. برای نمونه ابن‌نديم سه اثر به نام *الردّ علی الرافضة* را گزارش می‌دهد،^۵ که یکی را بشر بن مُعتمر معتزلی،^۶ دومی را عبدالله بن یزید اباضی،^۷ و سومی را قاسم بن ابراهیم زیدی^۸ نوشته بود (نک: Mudelung, 1981: 98). اگرچه برخی از دانشمندان سنی نقل حدیث به سند رافضیان را روا می‌دانستند^۹ ولی دیگران روا نمی‌دانستند (خطیب بغدادی، ۱۳۵۷: ۱۲۰-۱۲۵). در حیطه فقهی نیز مخالفت‌هایی با رافضیان پیش آمده بود؛ ابن‌ابی‌لیلا،^{۱۰} قاضی کوفه (متوفای ۱۴۸ ه.ق./۷۶۵ م.)، بنا بر گزارش‌ها از پذیرش شهادت رافضه امتناع می‌کرد (وکیع، ۱۳۶۶-۱۳۶۹: ۱۳۳/۳؛ مجلسی، ۱۳۷۶-۱۳۹۴: ۱۵۶/۶۸). در حالی که درباره یکی از پیروانش به عنوان قاضی و محدث کوفی حفص بن غیاث نخعی^{۱۱} (متوفای ۱۹۴ ق/۸۰۹-۸۱۰ م) گفته شده که وی ادعای رافضیان به بی‌اثر بودن طلاق سه‌باره زن در یک جلسه را که می‌توان آن را نادیده گرفت، انکار کرده و حکم به جدایی همیشگی زوجین داده است؛ بدین‌گونه رافضه با این حکم خویش همچنان خود را متأهل می‌دانستند^{۱۲} (وکیع، ۱۳۶۶-۱۳۶۹: ۱۸۵/۳ و ۱۸۸؛ [بغدادی]، بی‌تا: ۱۹۴/۸-۱۹۳). بیان این دیدگاه برای حفص پیامدهای جدلی داشت. زیرا وی از هواداران علویان شمرده می‌شد.^{۱۳} نویسندگان سنی، بیشتر، رفض را با تشیع مقایسه می‌کنند؛ شیعه نگرشی هواخواهانه به علی و خاندان پیامبر دارد که هرگز قابل اعتراض نیست.

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، این عنوان «رافضه» کاربردهای گسترده‌تری داشت. برای نمونه خُشیش بن اصرم^{۱۴} (متوفای ۲۵۳ ه.ق./۸۶۷ م.) همان‌طور که ملطی ذکر کرده^{۱۵}، پانزده گروه رافضی اشاره کرده،^{۱۶} که بیشتر آنها شیعه غالی بودند.^{۱۷} همچنین، شهرستانی غلات را در جمله رافضه ذکر می‌کند؛^{۱۸} و نیز تقدیسی که رافضیان برای علی قائل می‌شوند که در برخی از احادیث گفته شده با خداانگاری مسیحیان نسبت به عیسی پیوند داده شده، که اینان می‌توانند جزء غلات باشند.^{۱۹} ابن‌حنبل (چنان‌که ابن‌یعلی در *طبقات الحنابلة*، ج ۱، ص ۳۳ گفته)، ابن‌قتیبه (ابن‌قتیبه، ۱۹۶۹: ۶۲۳)، عبدالقاهر بغدادی،^{۲۰} ابومظفر اسفرائینی^{۲۱} و دیگران اصطلاح «رافضه» را برای اشاره به زیدیان نیز به کار برده‌اند (ابن‌عبدربه، ۱۴۰۴: ۲۴۹/۲؛ بلخی، ۱۴۳۱: ۳۹۲؛ ملطی، ۱۴۱۸: ۳۳-۳۵).

در کل، این اصطلاح برچسب شیعیان دوازده‌امامی در سرتاسر سده‌های وسطا و تا دوره کنونی، به‌ویژه در کانون‌های مجادله‌برانگیز، بوده است. در این اواخر این واژه در معنایی مثبت به کار رفته، آن‌گونه که رهبر شیعی لبنانی، موسی صدر، شیعیان را انسان‌هایی توصیف کرده که شرّ را رها می‌کنند و ضد استبداد برمی‌خیزند (Ajami, 1986: 155).

نقد روشی

با اینکه محتوای مقاله بسیار مختصر بوده اما نویسنده از منابع فراوانی بهره برده و آثار متعددی را معرفی کرده است. این خود یکی از امتیازات این مقاله به شمار می‌آید. همچنین، از دیگر نکات درخور توجه، اهتمام ورزیدن به آثار کهن شیعی است که بیشتر نویسندگان غربی از آن غفلت می‌کنند. در این نوشته با مآخذشناسی خوب نویسنده از مصنفات اصیل شیعی روبه‌رو هستیم. دیگر مسئله مهم در خور ذکر، توانمندی خوب نویسنده در ترجمه صحیح روایات و آیات است. با این حال کاستی‌هایی نیز دیده می‌شود، از جمله: ۱. نپرداختن به معنای لغوی عنوان «رافضه»؛ ۲. ذکر نکردن مستندات تاریخی در به‌کارگیری عنوان «رافضه» در قیام زید (متوفای ۱۲۱ ه.ق.) و مغیره بن سعید (متوفای ۱۱۹ ه.ق.)؛ ۳. اخذ امامیه به عنوان مصداق اصلی این اصطلاح بدون ذکر دلیل، در حالی که دیگر گروه‌های شیعی از قبیل کیسانیه، غلات و حتی خود زیدیه در برخی از منابع اهل سنت بدین نام معرفی شده‌اند (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۶۹: ۶۲۲-۶۲۳؛ اشعری، ۱۴۰۰: ۳۳-۳۴؛ ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۲۴۵/۲-۲۴۹).

پی‌نوشت‌ها

۱. با مطالعه کتاب خیاط معتزلی به نظر می‌رسد بیشترین فرقه‌ای که بدین عنوان نامیده شده امامیه اثنا عشریه است (خیاط، *الانصار*).
۲. از نظر ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶ ه.ق.) رافضه شامل همه گروه‌های شیعی است (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۹۰: ۶۲۲-۶۲۴)، و به نظر ناشی اکبر (متوفای ۲۹۳ ه.ق.) رافضه شامل فرقه‌های امامیه از قبیل اثنا عشریه بوده، و شامل غلات، کیسانیه و زیدیه نمی‌شود (ناشی اکبر، ۱۹۷۱: ۱۹۷۱).

اصطلاح «رافضه» در کاربرد شیعه امامیه: ترجمه و نقد دو مقاله از اتان کلبرگ / ۳۹

۲۲-۴۸). و ابوالحسن اشعری (متوفای ۳۲۴ ه.ق.) در ضمن رافضه اثناعشریه، کیسانیه و اسماعیلیه را ذکر می‌کند، و غلات و زیدیه را خارج می‌سازد؛ جز آنکه برخی از فرقه‌های غالی (بیانیه، حربیه و مغیریه) را در عداد رافضه تکرار کرده است (اشعری، ۱۴۰۰: ۵-۶۵). در نظر ابن عبدربه (متوفای ۳۲۸ ه.ق.) رافضه شامل همه گروه‌های شیعی است (ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۲/۲۴۴-۲۴۹). و از میان فرقه‌نگاران شیعه ابوحاتم رازی (متوفای ۳۲۲ ه.ق.) رافضه را در مقابل کیسانیه، غلات، زیدیه و اسماعیلیه قرار داده (ابوحاتم رازی، ۲۰۱۵: ۱/۵۲۴-۵۲۵ و ۵۵۳-۵۵۷، ش ۱۶۹-۱۷۰) و ابوتمام نیشابوری (متوفای ۳۳۲ ه.ق.) رافضه را در مقابل فرقه‌های کیسانیه، غلات، زیدیه و عباسیه نهاده، و هیچ ذکری از اسماعیلیه به میان نیاورده است (ابوتمام نیشابوری، ۱۹۹۸: باب الشیطان، ۹۱-۱۲۶).

۳. در برخی از منابع گفته شده که این عنوان بر یاران امام باقر (ع) نهاده شده بود (مغربی تمیمی، ۱۳۸۳: ۴۹/۱).

۴. نک.:

W. Madelung, "Al-Mugh̄irīyya", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. VII, pp. 347-348.

۵. تاریخ قیام زید به چند شکل متفاوت گفته شده؛ سال ۱۱۸ ه.ق. (دینوری، ۱۹۶۰: ۳۴۴)، ۱۲۰ ه.ق. (ابن سعد، بی تا: ۳۲۶/۵؛ طبری، ۱۳۵۸: ۱۳۱)، ۱۲۱ ه.ق. (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۶۰: ۳۶۵؛ یعقوبی، بی تا: ۳۲۶/۲؛ طبری، بی تا: ۴۸۱/۵-۴۸۲؛ مسعودی، بی تا: ۲۰۶/۳)، ۱۲۲ ه.ق. (بخاری، ۱۴۰۶: ۳۴۹/۱؛ همو، بی تا: ۴۰۳/۳، ش ۱۳۴۱؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۹۶۰: ۲۱۶؛ بلاذری، ۱۹۷۷: ۲۴۲/۳، ش ۲۱؛ مسعودی، بی تا: ۲۷۹؛ ابن حبان، ۱۹۹۱: ۱۰۴، ش ۴۲۵؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵: ۹۲).

۶. ابوحکم کلبی (متوفای ۱۴۷ ه.ق.) عثمانی مذهب بوده و به نفع بنی‌امیه جعل حدیث می‌کرده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰: ۳۸۶/۴، ش ۱۱۶۷).

۷. لوط بن یحیی غامدی (متوفای ۱۵۷ ه.ق.) مورخ نامدار کوفه و یکی از راویان امام صادق (ع) بوده (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۲۰-۳۲۱، ش ۸۷۵؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۰۴-۲۰۵، ش ۲۰۴). اما اهل سنت وی را به دلیل نقل حوادث دوران خلفا تضعیف کرده‌اند (جرجانی، ۱۴۰۹: ۹۳/۶-۹۴، ش ۱/۵/۱۶۲۱). همچنین نک.: H. A. R. Gibb, "Abū Mikhnaf", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. I, p. 140

۸. بنا بر گزارش‌های موجود بیزاری جویی از شیخین صورت گرفته و هیچ نامی از دیگر صحابه به میان نیامده است (ابن حبیب بغدادی، ۱۳۶۱: ۴۸۳؛ بلاذری، ۱۹۷۷: ۲۳۹/۳-۲۴۰، ش ۱۸؛ طبری، ۱۴۰۳: ۴۹۸/۵؛ اشعری، بی تا: ۶۵؛ حمیری، ۱۹۴۸: ۲۲۱-۲۲۲).

۹. این مطلب از اشعری برمی‌آید که هر دو نظر را داشته باشد (همان: ۱۶ و ۶۵).
۱۰. زیرا در برخی از نقل‌ها به جای واژه «رافضه» واژه «شیعه» (ابن سعد، بی‌تا: ۲۴۹/۶) و در دیگر نقل‌ها واژه «خشبیه» به کار رفته است (خلال، ۱۴۱۰: ۴۹۶/۳-۴۹۸، ش ۷۹۱؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۳۷۲/۲۵-۳۷۳). همچنین، از لحاظ سندی و تاریخی نیز اشکالات جدی دارد (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۲۲/۱-۳۶).
۱۱. عامر بن شرحبیل / شراحیل، فقیه و قاضی کوفه، و یکی از نامداران اهل سنت در زمان خویش بوده است. تاریخ درگذشت وی به چند شکل گفته شده: ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۰۶ ه.ق. (ذهبی، ۱۹۹۳: ۲۹۴/۴-۳۰۴، ش ۱۱۳). وی یکی از دشمنان جدی حضرت علی (ع) بوده است (موسوی خویی، ۱۴۱۳: ۲۱۰/۱۰-۲۱۱، ش ۶۰۹۵).
۱۲. از وی چندین سخن توهین‌آمیز درباره «رافضه» نقل شده است (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۰۸: ۲۸۹/۲، ش ۲؛ ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۲۴۹؛ غطفانی، بی‌تا: ۱۸۲/۱، ش ۱۱۶۳).
۱۳. وی سرکرده فرقه سلیمانیه از زیدیه است (اشعری، بی‌تا: ۶۸).
۱۴. قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) لعلی (علیه السلام): «إنه سيكون قوم يدعون حنبا لهم نیز يعرفون به، فإذا لقيتموهم فاقتلوهم فإنهم مشركون» (حمیری، ۱۹۴۸: ۲۲۲).
۱۵. یحیی بن الحسین رسی (متوفای ۲۹۸ ه.ق.) در روایتی که حضرت علی (ع) مخاطب آن است در خصوص رافضه نقل کرده، اما زید در سند آن نبوده و متن آن نیز با روایت حمیری (متوفای ۵۷۳ ه.ق.) متفاوت است (رسی، ۱۴۲۲: ۶۲). نکته دیگر اینکه ضمیر مخاطبی که در روایت حمیری آمده جمع است، در حالی که مخاطب آن شخص حضرت علی (ع) بوده‌اند (حمیری، ۱۹۴۸: ۲۲۲). اما ابوالعباس حسنی (متوفای ۳۵۳ ه.ق.) نقل کرده که زید از پیامبر خدا (ص) شنیده که ایشان از گروهی که منکر امر به معروف و نهی از منکر هستند خبر داده‌اند (ابوالعباس حسنی، بی‌تا: ۳۵۳). بدین‌سان گمان می‌رود که گفته زید در روند نگارش زیدیه دچار تحریف شده است.
۱۶. عن علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) قال رسول الله (صلی الله علیه و سلم): «یظهر فی أمتی فی آخر الزمان قوم یسمون الرافضة یرفضون الإسلام» (ابن حنبل، ۱۴۰۶: ۵۴۶/۲-۵۴۷، ح ۱۲۶۸-۱۲۷۰).
۱۷. اسماعیل بن عبدالرحمن، یکی از مفسران قرآن کریم و راویان روایات امام سجاد، باقر و صادق (ع) بوده است. وثاقت وی در میان اهل سنت محل اختلاف است (ذهبی، ۱۹۹۳: ۱۹۹۳).

۱۸. نقل شده است زید آن گروه را نفرین کرده و آنان را به خوارج تشبیه کرده است (رسی، ۱۴۲۲: ۶۲؛ ابوالحسین طبری، ۱۴۲۱: ۲۷۷).
۱۹. خنّال، ۱۴۱۰: ۴۹۶، ش ۷۹۱؛ ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۲۴۹؛ نوبختی، ۲۰۰۸: ۱۹-۲۰.
۲۰. این کتاب به تازگی ترجمه شده است (فان اس، ۱۳۹۷: ۱/۳۹۵-۵۹۸).
۲۱. سلیمان بن مهران اسدی (متوفای ۱۴۸ ه.ق.)، از یاران ویژه امام صادق (ع) بوده، و گرچه اهل سنت وی را ثقه دانسته‌اند اما به تدلیس متهم شده است (ذهبی، ۱۴۱۳: ۶/۲۲۶-۲۴۸، ش ۱۱۰؛ موسوی خویی، ۱۴۱۳: ۹/۲۹۴-۲۹۵، ش ۵۵۱۸). همچنین نک: C. Brockelmann - [Ch. Pellat], "Al-Amash", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. I, p. 431.
۲۲. قال (علیه السلام): «والله ما هم سمّوكموه ولكن الله سمّاكم به فى التوراة والإنجيل على لسان موسى و لسان عيسى، و ذلك أن سبعين رجلا من قوم فرعون رفضوا فرعون و دخلوا فى دين موسى فسّمّاهم الله الرافضة، و أوحى إلى موسى أن أثبت لهم هذا الإسم فى التوراة حتى يملكونه على لسان محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) ففرقهم الله فرقا كثيرة فرفضوا الخير و رفضتم الشر واستقمتم مع أهل بيت نبيكم (عليهم السلام) فذهبتهم حيث ذهب نبيكم واخترتهم من اختار الله و رسوله...» (كوفى، ۱۴۱۰: ۳۷۶-۳۷۷، ح ۵۰۶).
۲۳. قال (علیه السلام): «أن سبعين رجلا من بنى إسرائيل رفضوا فرعون و قومه لما استبان لهم ضلالهم فلحقوا بموسى (عليه السلام) لما استبان لهم هداة فسموا فى عسكر موسى الرافضة لأنهم رفضوا فرعون و كانوا أشد أهل ذلك العسكر عبادة و أشدهم حبا لموسى و هارون و ذريتهما (عليهما السلام)...» (كلينى، ۱۳۸۹: ۸/۳۳-۳۶، ح ۶).
۲۴. البته متن موجود شباهتی با روایت ندارد و بیشتر به نظر می‌رسد استنتاج خود نویسنده از روایات باشد (عاملی بیاضی، ۱۳۸۴: ۱/۳۲۳).
۲۵. قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لعلی (عليه السلام): «ألا ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه ليس نبي بعدى» (بخارى، ۱۴۰۱: ۵/۱۲۹؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۱/۲۰۲-۲۰۱، ح ۲).
۲۶. بیوراسب که در زبان فارسی باستانی ازدهاق گفته می‌شود، معربش ضحاک است (طبری، ۱۴۰۳: ۱/۱۳۳). گفته شده وی در دوره نبوت حضرت نوح (ع) می‌زیسته (همان: ۱۱۹) و مؤسس دیانت صابئه بوده است (همان: ۱۲۲). در نقلی دیگر گفته شده وی در زمان حضرت ابراهیم (ع) بوده (همان: ۱۳۴) و بر سر اینکه اصالتاً پارسی یا عرب بوده اختلاف است (همان:

- ۱۳۳-۱۳۴؛ مسعودی، ۱۴۰۴: ۱/۲۴۷؛ همو، بی تا: ۷۵-۷۶).
۲۷. این روایت در منابع روایی پیشین شیعه ذکر نشده و در غیر از این کتاب در هیچ کتاب دیگری هم دیده نشده است (قزوینی رازی، ۱۳۹۱: ۵۹۱-۵۹۲).
۲۸. مستندی برای این گفته پیدا نشد.
۲۹. مستندی برای این مطلب یافت نشد.
۳۰. نک.: W. Madelung, "Hishām b. Al-Ḥakam", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. III, pp. 496-498.
- و تاریخ درگذشت وی را نجاشی در سال ۱۹۹ ه.ق. در بغداد ثبت کرده (نجاشی، ۱۴۱۶: ۴۳۳، ش ۱۱۶) اما شیخ طوسی تاریخ آن را در سال ۱۷۹ ه.ق. در کوفه ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۱۵: ۲/۵۲۶، ش ۴۷۵). خوبی معتقد است وی قبل از سال ۱۹۳ ه.ق. از دنیا رفته است (موسوی خویی، ۱۴۱۳: ۲۰/۳۲۱-۳۲۲).
۳۱. فرقه‌های یادشده در این فهرست عبارت‌اند از: ۱. زراریه، یاران زرارة بن اعین (متوفای ۱۵۰ ه.ق.)؛ ۲. عماریه، یاران عمار ساباطی؛ ۳. یعفریه؛ ۴. یاران سلیمان اقطع؛ ۵. جوالیقیه، یاران هشام بن سالم جوالیقی. اما در آن فهرست نام هشام بن حکم به چشم نمی‌خورد (طوسی، ۱۴۱۵: ۵۴۲، ش ۴۷۹).
۳۲. همچنین کتابی در ردّ شیطان‌الطاق دارد (ابن ندیم، بی تا: ۲۲۴).
۳۳. نک.: I. Goldziher – [A. S. Tritton], "Badā", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. I, pp. 850-851.
- درباره معنای «بداء» و نظر موافقان و مخالفان شیعه نک.: ۱۴۰۵: ۱۶۱-۱۶۳، ش ۸.
۳۴. در این باره اهل سنت نیز روایات فراوانی نقل کرده‌اند (ابن حنبل، بی تا: ۲۸۱/۴؛ عبسی کوفی، ۱۴۰۹: ۷، ص ۵۰۳، ح ۵۵).
۳۵. برخلاف این ادعا شیعه اثناعشریه بر واقع نشدن هیچ گونه تحریفی اجماع دارند (طوسی، ۱۲۰۹: ۳/۱). در مقابل، روایات فراوانی از اهل سنت در کم و زیاد شدن قرآن نقل شده و اساس به وجود آمدن چنین شبهه‌ای از طرف آنان بوده است (ابن‌شاذان نیشابوری، ۱۳۶۳: ۲۰۹-۲۲۹).
۳۶. مستندی برای این مطلب یافت نشد.
۳۷. مستندی برای این گفته یافت نشد.
۳۸. این مطلب از دو روایت پیشین به دست می‌آید (کلینی، ۱۳۸۹: ۳۳/۸-۳۶، ح ۶؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۳۷۶-۳۷۷، ح ۵۰۶).

39. R. Strothmann – [Moktar Djebli], "Takīyya", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. X, pp. 134-136.

40. (M. G. S. Hodgson, "Djāfar Al-Ṣādiq", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. II, pp. 374-375).

اصطلاح «رافضه» در کاربرد شیعه امامیه: ترجمه و نقد دو مقاله از اتان کلبیگ / ۴۳

۴۱. امام کاظم (ع) دو بار در سال‌های ۱۷۹-۱۸۳ ه.ق. زندانی شد (نوبختی، ۲۰۰۸: ۷۱-۷۲) و امام رضا (ع) از سال ۲۰۰ ه.ق. (همان: ۷۴؛ مسعودی، ۱۴۰۴: ۳/۴۴۰-۴۴۱) یا ۲۰۱ ه.ق. (طبری، ۱۴۰۳: ۱۳۹/۷) تا سال ۲۰۳ ه.ق. (همان: ۱۵۰؛ مسعودی، ۱۴۰۴: ۴۴۱؛ نوبختی، ۲۰۰۸: ۷۳) در کنار مأمون عباسی (حک ۱۹۸-۲۱۸ ه.ق.) در طوس بود. امام جواد (ع) در سال ۲۲۰ ه.ق.، بعد از حدود ده ماه اقامت در دربار، درگذشت (همان: ۷۶-۷۷). امام هادی (ع) از سال ۲۳۳-۲۵۴ ه.ق. در سامرا به سر برد (همان: ۷۷) و امام عسکری (ع) به همراه پدر بزرگوارشان به سامرا آمد و تا سال ۲۶۰ ه.ق. در آنجا از دنیا رفت (همان: ۷۹).

۴۲. برای آشنایی با سازمان وکالت و چگونگی فعالیت وکلا در دوره غیبت صفرا (نک: صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ۱۳۳-۱۵۷).

۴۳. در روایتی از امام زمان (ع) این تعبیر آمده: «وأما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجتي عليكم و أنا حجة الله عليهم» (صدوق، ۱۴۰۵: ۴۸۳-۴۸۵، ح ۴).
44. D. B. Macdonald – [M. G. S. Hodgson], “Ghayba”, in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. II, p. 1026.
۴۵. ابن ندیم (متوفای ۴۳۸ ه.ق.) همچنین در گزارشی دیگر به کتاب الرد علی الرافضة والحشویة از ضرار بن عمرو معتزلی نیز اشاره کرده است (ابن ندیم، بی تا: ۱۸۴-۱۸۵، ۲۱۴-۲۱۵).

۴۶. ابوسهل هلالی (متوفای ۲۱۰ ه.ق.) یکی از سرکرده‌های معتزله بغداد بوده است (ناشی اکبر، ۱۹۷۱: ۵۶-۵۸، ش ۹۴-۹۶).

۴۷. فزاری کوفی، از سرکرده‌های خوارج بوده و یاران وی از لحاظ فکری نزدیک‌ترین گروه از خوارج به اهل سنت بوده‌اند (ابن حزم، ۱۳۲۰: ۱۱۲/۲). البته وی شریک و دوست دائمی هشام بن حکم (متوفای قبل از ۱۹۳ ه.ق.) نیز بوده است (مسعودی، ۱۴۰۴: ۱۹۴).

۴۸. ابومحمد رسی (متوفای ۲۴۶ ه.ق.) یکی از ائمه زیدیه که به همراه برادرش محمد بن ابراهیم (متوفای ۱۹۹ ه.ق.) در سال ۱۹۹ ه.ق. ضد مأمون عباسی (حک ۱۹۸-۲۱۸ ه.ق.) دست به شورش برد، و در سال ۲۲۰ ه.ق. برای بار دوم به عنوان امام برگزیده شد، و بعد از آنکه در جنگ با عباسیان ناتوان شد به مدینه بازگشت و در آنجا مابقی عمرش را سپری کرد (رسی، ۱۴۲۲: مقدمه تحقیق).

۴۹. یحیی بن معین (متوفای ۲۳۳ ه.ق.) قائل بود که اگر رافضی داعی به مذهب خویش نباشد روایاتش پذیرفتنی است (غطفانی، بی تا: ۱۱۱/۲، ش ۳۵۸۱). و این مطلب محل اجماع اهل سنت بوده است (ابن حبان، ۱۹۷۳: ۱۴۰/۶-۱۴۱).

۵۰. محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی انصاری؛ وی از سوی بنی‌امیه و بنی‌عباس در کوفه به

- قضاوت مشغول بود (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۱۰-۳۱۶، ش ۱۳۳؛ موسوی خویی، ۱۴۱۳: ۲۲۸/۱۷-۲۳۱، ش ۱۱۰۶۶). همچنین نک: J. Schacht, "Ibn Abī Laylā", in: *The Encyclopaedia of Islam*, Vol. III, pp. 687-688.
۵۱. وی را هارون عباسی (حک ۱۷۰-۱۹۳ ه.ق.) به عنوان قاضی کوفه منصوب کرد و برای مدتی در بغداد نیز به قضاوت مشغول بود (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۲/۹-۳۴، ش ۶).
۵۲. شیعه امامیه اثناعشری طبق سنت نبوی عمل کرده و با بدعت عمر مخالفت کرده است (قشیری نیشابوری، بی تا: ۱۸۳/۴-۱۸۴).
۵۳. شیخ طوسی وی را با وجود اینکه از امام باقر و صادق (ع) روایت کرده اما از اهل سنت معرفی کرده است (طوسی، ۱۴۱۵: ۱۳۳، ش ۵۰ و ص ۳۳۵، ش ۱۶؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۱۱۶، ش ۱).
۵۴. ابو عاصم نسائی، کتابی به نام *الإستقامه* داشته که درباره فرق گمراه بوده است (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۵۰/۱۲-۲۵۱، ش ۹۲).
۵۵. خود ملطی (متوفای ۳۷۷ ه.ق.) به ۱۸ فرقه اشاره کرده است (ملطی، ۱۴۱۸: ۱۸-۳۵).
۵۶. وی در مجموع به ۱۱ فرقه اشاره کرده است (همان: ۱۵۶-۱۶۵).
۵۷. در بین آنها زیدیه نیز ذکر شده‌اند (همان: ۱۶۴).
۵۸. شهرستانی (متوفای ۵۴۸ ه.ق.) به هیچ وجه رافضه را به عنوان فرقه مشخصی ذکر نکرده و غلات را در ضمن شیعه بیان کرده است (شهرستانی، بی تا: ۱۴۷/۱). البته وی رافضه را به عنوان شیعیان کوفی مخالف با زید ذکر کرده است (همان: ۱۵۵).
۵۹. این اتهام را مرجئه به شیعیان زده‌اند (ابوحاتم رازی، ۲۰۱۵: ۵۰۳/۱-۵۰۴).
۶۰. وی همه فرق شیعی را در زیرمجموعه رافضه قرار داده است (بغدادی، ۱۴۱۵: ۲۹، ۳۹).
۶۱. وی نیز همه گروه‌های شیعه را رافضه نامیده است (اسفراینی، ۱۴۰۳: ۲۳، ۲۷).